

دو صد گفته چو نیم کردار نیست



نیوشا طبیبی‌گیلانی

روزنامه‌نگار

نامه سرگشاده‌ای از سیدعلی میرفتاح، نقاش و روزنامه‌نگار با سابقه ومیهن دوست خطاب به آقای دکتر پزشکیان، منتشر شده است. محتوای این نامه در کمال خلوص نیت، نیک‌نفسی، مهربانی و نرم‌خویی برخاسته از صفای درونی آقای میرفتاح نوشته شده است. حضرت استاد که سالیانی است عزلت پیشه کرده و در گوشه آتلیه نقاشی اش، به آفرینش مشغول است، از سر وطن خواهی نکات مهمی را در این نامه یادآوری کرده که لابد خواننده‌اید و اگر نخوانده‌اید، حتماً پیدا کنید و بخوانید که به‌منظر من بسیار مهم است.

گفتاری ما از آن زمانی شروع شد که یک مسئولی که اتفاقاً عملکردش ضمیمه‌ن، مردم و نظام بود، خود را نوکر مردم نامید. به قصد گول زدن، سر و وضع و رفتارش را چنان آراست که ما مردم تصور کنیم او «مردی است از جنس مردم». غافل از اینکه حضرتش آنچه کار ناصواب و علیه منافع ملی بود، انجام داده است. کارهایی که تبعات بسیاری از آنها تا امروز هست و شاید تا آینده‌ای نامعلوم گریبانگیر تک‌تک ایرانیان از زنده‌ها، مرده‌ها و نیماده‌ها باشد.

در آغاز دوره ریاست‌جمهوری آقای دکتر پزشکیان نوشتیم: «شما لطفاً رئیس‌جمهور ما باشید، نه نوکر ما، قطعاً که می‌توانید رفتاری صمیمانه، گرم و متواضعانه - چنان‌که هستیید - داشته باشید ولی به حکم اینکه رئیس‌جمهور کشوری بزرگ و تاریخی و نماینده مردمی بی‌ظنیر با فرهنگی درخشان هستیید، اجازه ندارید رفتاری خارج از اصول انجام دهید.»

سخنرانی‌های پیاپی آقای رئیس‌جمهور در مجامع مختلف، تکرار موضوعات و عدم تسلط ایشان به فن بیان، سبب ملال، ناامیدی و بعضی از مواقع شرم‌زدگی می‌شود. اظهارات تحسین‌آمیزشان نسبت به ترکیه و کره - که هرودی این کشورها احوال چندان خوشی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ندارند و درگیر فساد و هزار مشکل دیگر هستند - دل میهن‌دوستان ایرانی را لرزاند و موجب ناراحتی بسیاری شد. من خود شاهد بودم که چطور مخالفان و حامیان ایران و حامیان تهاجم اسرائیل گفتند: «چه عجب یکی حرف راست و درست زد!» و دردا که آن یکی، دکتر پزشکیان بود. دل ایران‌دوستان به‌درآمد، از اینکه ما توانایی‌های بسیاری داریم و لایق مدیرانی هستیم که امکانات ملی و توانمندی‌های ایران را بشناسند و بتوانند این توانمندی‌ها و امکانات را برای آبادانی میهن به‌کار بگیرند.

آقای رئیس‌جمهور انقدر درگیر کار اجرایی و البته سخنرانی در مجامع مختلف هستند که لابد نوشته این کمترین و توصیه‌های مشفقانه استاد میرفتاح به گوش‌شان نخواهد رسید. اما ای کاش اگر خبرخواهی در نزدیکی ایشان هست به ایشان بگوید که دو صد گفته چوتیم کردار نیست و زمان چون باد می‌گذرد. هر حرکت و سخن شما توسط مردم رصد می‌شود، درباره آن حرف می‌زنند، امیدوار و ناامید می‌شوند. کردارتان در جایگاه رئیس‌جمهور، راه رفتن و لباس پوشیدن‌تان برای مردم مهم است.

عمل نکردن به‌روتکل‌ها، رعایت دقیق نظم و انضباط در رفتار، سخن گفتن و لباس پوشیدن، پدیده‌ای وارداتی و غربی نیست که از آن فرار کنیم و خلاف آن را عین مردمی، انقلابی و کارآمدبودن بدانیم. چین‌رانگه کنید، همین مراسم رژه اخیرشان که لرزه بر اندام کشورهای غربی انداخت، نمایشی بود از نظمی آهنین و ارتشی مقتدر و دولتی که مو لای درز عملکرد و جدیت‌اش نمی‌رود. پیام آنها این بود که این ماشین عظیم و آهنین، شکست‌ناپذیر است. چرا ما باید نشانه‌های به‌هم‌ریختگی، بی‌برنامگی و باری به‌هر جهت‌بودن را به جهانیان بدیم؟ البته که چنین نیست و کشور براساس نظم و نسقی پیش می‌رود اما مقصود از بیان چنین اظهاراتی که بلافاصله توسط خبرگزاری‌ها با شرح و تحلیل نقل شده است، چیست؟

بگذارید در پایان این یادداشت آرزو کنیم، رئیس‌جمهور محترم، پاک‌سرشت و وطن‌خواه‌مان، بیشتر از سخنرانی در مجامع، در دفتر کار خود بنشیند و براساس گزارش‌ها، بازرسی‌ها و بازدیدها، به‌همراه وزرا و دستیاران به حل مشکلات کشور مشغول باشند. پیشنهاد آقای میرفتاح، برپایی روزه سکوت در کشور بود تا شاید معضل سخن‌گویی روزانه صدها و بلکه هزاران مسئول در سراسر کشور حل شود. صدها بار سخنان مسئولان خرد و مدیران رده‌های پایین، سبب ایجاد هزینه‌های حقوقی و سیاسی برای کشور شده است یا به‌رنجش، ناراحتی و ناامیدی مردم انجامیده. این سنت بد، هر چه زودتر از بین برود، بهتر است.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



فوتبال نخمبه‌کش

درباره وحید هاشمیان و دیگر مربیان و چهره‌های محبوبی که جامعه ورزشی کشور طاقت حضورشان را ندارد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

در ایام جنگ ۱۲ روزه که هنوز در میانه‌ی آن بودیم، باشگاه پرسپولیس به‌دلیل فسخ یک‌طرفه اسماعیل کازامل مجبور شد سراغ گزینه جدیدی برود و دست بر قضا به‌دلیل شرایط خاص منطقه طبعاً هیچ مربی خارجی نیز حاضر نمی‌شد به ایران بیاید و در باشگاهی کار کند. باین‌حال باشگاه پرسپولیس بعد از بررسی گزینه‌های مختلف مربیگری، به وحید هاشمیان رسید که به‌دلیل سال‌ها حضور در فوتبال آلمان و البته رویکرد اخلاقی که بین هواداران پرسپولیس دارد، می‌تواند دوران موفقی را آغاز کند. اما طبق انتظار و همان اصل نانوشته که اگر «از بدنه‌ی فوتبال نباشی، خط می‌خورد»، وحید هاشمیان برف تهران راهم ننید و از هدایت پرسپولیس بعد از گذشت هشت هفته برکنار شد. در این گزارش قصد داریم از فوتبالی بنویسیم که حضور برخی افراد را برنمی‌تابد. آنها را کنار می‌زنم و بعدها حسرت‌اش را می‌خورد.

▼ برای هاشمیان زود بود

بسیاری بر این عقیده هستند که برای وحید هاشمیان، مربیگری در پرسپولیس زود بود. البته این نقد به‌لحاظ تئوری و علمی صحیح است چراکه هاشمیان بدون هیچ تجربه سرمربیگری‌ای در هیچ تیمی، در تیم‌های بزرگسالان به‌یک‌باره روی نیمکت پرسپولیس حضور یافت و طبعاً هیچ شناختی نیز از فوتبال و روابط داخلی «فوتبال فارسی» نداشت و همین مسئله باعث شد تا خیلی زود از سمت خود کنار برود. او دو سال دستیار اسکوچیچ در تیم ملی ایران بود و بعد به آلمان برگشت تا در تیم‌های پایه کار کند. اما این موضوع برای هدایت تیم بزرگی مثل پرسپولیس کافی نبود. اما این‌ها دلیل نمی‌شود از ناملابمیتی‌هایی که به او در طول این هشت هفته گذشت، به‌راحتی عبور کنیم. از دقیقه یک در همان هفته نخست، به وحید هاشمیان از روی برخی سکوها ورزشگاه شهر قدس، فحاشی شد و حتی هفته سوم او را با بطری و سنگ زدند تا یک چهره زشت از فوتبال ایران نمایان شود. وحید هاشمیان که بعد از ۱۸ ماه پذیرفته بود به ایران برگردد، اصلاً تصورش را نمی‌کرد که بعد از گذشت سه هفته و حتی بدون اینکه یک مسابقه را شکست بخورد، با سنگ و بطری مورد هدف برخی هواداران فوتبال قرار بگیرد اما این اتفاق رخ داد و درنهایت فضای ملتهب باشگاه پرسپولیس دلیلی بر برکناری او شد. او با کوله‌باری از تجربه که از بازی در بایرن مونیخ، بوخوم و هانوفر به‌دست آورده بود فرصت این را پیدا نکرد که بتواند اندوخته‌هایش را به‌کار بگیرد. حتی کریم باقری نیز از نوع رفتاری که با هاشمیان در پرسپولیس شد، شدیداً انتقاد کرد و گفت احترامی که باید، به هاشمیان گذاشته نشد.

▼ غنیمتی به‌نام هاشمیان

۱۵ سال پیش که وحید هاشمیان در سال ۱۳۸۹ با عقد قراردادی شش‌ماهه به‌عنوان بازیکن راهی پرسپولیس شد، همان سال سایت باشگاه هانوفر با تقدیر از عملکرد وحید هاشمیان در دوران حضورش در این باشگاه آلمانی، حضور او را غنیمتی برای باشگاه قدیمی آلمانی دانست و نوشت، هاشمیان جزو ۱۰ بازیکن گران‌قیمت تاریخ این باشگاه بوده است. سایت هانوفر عنوان کرد، وحید هاشمیان که پایان هفته قبل با تیم سرخ‌پوش پایتخت قراردادی شش‌ماهه بست، پس از تاسیس تیم آلمانی، دهمین بازیکن گران‌قیمت بود. او در سال ۲۰۰۵ از بایرن، راهی تیم منطقه‌نیدر زاکسن شد. دیگر بازیکنان گران‌قیمت هانوفر که درنهایت نام هاشمیان نیز در آنها دیده می‌شود، عبارتند از: توماس کریستیانسن که در سال ۲۰۰۳ از بوخوم به عضویت هانوفر

درآمد. برای او رقمی بالغ بر ۲/۵ میلیون یورو خرج شد. توماس برداریچ در سال ۲۰۰۳ که آن موقع یکی از پنج مهاجم تیم ملی آلمان بود، بدون پرداخت هیچ پولی به بایرلورکوزن به‌خاطر اتمام قراردادش، راهی هانوفر شد. او در این تیم خیلی زود فهمید که بازیکن شاخصی نخواهد شد و در ازای ۱/۸ میلیون یورو، یعنی رقمی که هانوفر به خودش داده بود، به وولفسبورگ فروخته شد. او در سال ۲۰۰۸ به‌خاطر مصدومیت جدی زانو، درشرایطی که هنوز می‌توانست چند سال دیگر بازی کند، کفش‌هایش را برای همیشه آویخت. ماریو اگی‌مان در سال ۲۰۰۸ در ازای ۱/۴ میلیون حد بازیکن اصلی مطرح نشد و مدام روی نیمکت جا خوش کرد. در سال ۲۰۰۲، هانوفر ۱/۴ میلیون یورو هزینه کرد تا بلایسکو نکوفو را از ماینتس خریداری کند؛ اما این مهاجم سوئیسی پس از یک فصل ناموفق که توأم با حضور معدود در زمین بود، به‌عنوان بازیکن قرضی، راهی تاونات‌اننده هلند شد. جالب است بدانید در سال ۲۰۰۴، هلندی‌ها کمتر از نصف رقم فوق یعنی ۶۰۰ هزار یورو این مهاجم را خریداری کردند. وحید هاشمیان مهاجم ایرانی درسال ۲۰۰۵ از تیم بایرن‌مونیخ به هانوفر آمد. برای تحقق چنین انتقالی، هانوفر را رقمی بالغ بر ۱/۳ میلیون یورو به حساب بایرن واریز کردند. پس از سه‌فصل حضور نزد هانوفر، ها، گلزن ایرانی معروف به هلی کوپتر، توانست در مجموع ۹ گل برای این تیم به‌ثمر رساند. آن‌زمان بود که هاشمیان در سال ۲۰۰۸ به بوخوم بازگشت.

▼ مهدوی کیا؛ کار در تیم‌های پایه اماراتی

یکی دیگر از بازیکنانی که می‌توانست در فوتبال ایران عملکرد و کارایی فوق‌العاده‌ای داشته باشد، مهدی مهدوی کیاست. او که آکادمی کیا را در ایران تاسیس کرده و اتفاقاً عملکرد قابل‌توجهی نیز داشته است، حاضر شد به‌فعالیت در فوتبال امارات و تیم‌های پایه این کشور ادامه دهد، اما در تیم‌های بزرگسال حضور نداشته باشد. مهدوی کیا دراین‌باره بارها و بی‌پروا گفته فضای فوتبال ایران و مافیای حاکم بر آن، اجازه فعالیت امثال او را نمی‌دهد و طبعاً بعد از چند هفته، از سمت خودش برکنار خواهد شد. تلخ است که یکی از اسطوره‌های فوتبال ایران در امارات برای بچه‌های ۱۰ تا ۱۶ سال مربیگری می‌کند، اما جایی در تیم‌های ایرانی ندارد.

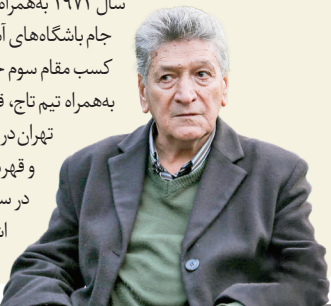
▼ حسرتی که فغانی ثبت کرد

فوتبال نخبه‌کشی فقط مختص مربیان فوتبال در ایران نیست، بلکه در داوری نیز وجود دارد. همان فردی که عامل خط‌خوردن علیرضا فغانی از لیست داوران بین‌المللی ایران شد، به‌دلیل فسادی که اثبات شد از سمت خودش کنار رفت اما همان تصمیم، عاملی شد تا علیرضا فغانی به‌همراه خانواده خود به استرالیا مهاجرت و برای پرچم این کشور قضاوت کند و افتخارات داوری او در مسابقات بین‌المللی به‌نام فدراسیون فوتبال استرالیا زده شود، نه فدراسیون و کشور ایران. تبعات کم سابقه تصمیم اشتباه فردی که حالا دیگر در رأس فدراسیون اصلاً حضور ندارد، باعث شد تا یکی از برترین داوران تاریخ قاره آسیا و بلکه جهان را دیگر در ایران نداشته باشیم. درخصوص مربیگری علی دایی نیز می‌توان به این موضوع اشاره کرد که بیش از ۱۵ سال پیش خیلی زود به‌عنوان سرمربی تیم ملی ایران معرفی شد اما به دستور محمود احمدی‌نژاد و علی ابادی، رئیس وقت سازمان تربیت بدنی از هدایت تیم ملی کنار رفت تا علی دایی دیگر رنگ تیم ملی را نبیند و ذهنیت بدی را تا ابد در این زمینه به‌وجود آورند. از طرف دیگر، حبیب گل محمدی یکی از مربیان بااخلاق فوتبال ایران هم قربانی چنین رویکردی شد و باوجود اعتباری که بین مردم داشت و جام‌های قهرمانی که کسب کرد به‌یک‌باره سنگ و بطری بود که به‌سمت او روانه شد. در این فوتبال برای مربیانی فضا فراهم است که سالی یک‌بار، تیمی را از لیگ برتر به لیگ دسته پایین‌تر می‌فرستند. هزینه‌ها و بدهی‌های چندصد میلیاردری روی دست باشگاه‌ها می‌گذارند و هیچ‌وقت هم کار نمی‌روند.

چهره

درگذشت سیم‌خاردار تاج

اکبر کارگرجم، ستاره خط دفاع استقلال در دهه ۵۰ بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت. کارگرجم متولد ۱۳۲۳ بود و هواداران استقلال به‌خاطر عملکرد بی‌نقص اش به او لقب سیم‌خاردار را داده بودند. او عضو تیم قهرمان استقلال در جام باشگاه‌های آسیا بود و سال ۱۳۵۲ عنوان مرد سال فوتبال ایران را هم کسب کرد. او ۳۰ بازی ملی هم داشت. کارگرجم ۷ فصل پیاپی و تا سال ۱۳۵۵ در تیم تاج بازی کرد و با پیراهن این تیم از دنیای فوتبال خداحافظی کرد. کارگرجم از معدود بازیکنان تاریخ فوتبال ایران است که به همه افتخارات و عناوین دست یافته است؛ جز جام جهانی! از افتخارات او می‌توان کتاب نوشت. اما می‌توان از افتخارات او از جمله: مرد سال فوتبال ایران در سال ۱۳۵۲، صعود به المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲ به‌همراه تیم امید ایران، حضور در المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲ به‌همراه تیم امید ایران، قهرمانی در جام باشگاه‌های آسیا ۱۹۷۰ به‌همراه تیم تاج، کسب مقام سوم جام باشگاه‌های آسیا ۱۹۷۱ به‌همراه تیم تاج، قهرمانی در جام باشگاه‌های تهران در سال ۱۳۵۱ به‌همراه تیم تاج و قهرمانی در لیگ تخت جمشید در سال ۱۳۵۲ به‌همراه تیم تاج اشاره کرد.



کتابخانه

شعری علیه تبعیض

«یک‌بار در بهشت بیدار شدیم»، مجموعه شعری است اثر نجوان درویش، از شاعران جوان و مشهور که برخی حتی او را «برجسته‌ترین شاعر معاصر عرب» دانسته‌اند. او زاده قدس در فلسطین است و اولین کتاب خود را در سال ۲۰۰۰ در لبنان منتشر کرد. در سال ۲۰۰۹ جایزه «بیروت ۳۹»- که به ۳۹ نویسنده برتر عرب که زیر ۳۹ سال داشته باشند، تعلق می‌گیرد. به او اهدا شد و روی هم‌رفته امید بسیاری به قلم اوست تا شاید تحولی در شعر امروز عرب پدید آورد. او در این مجموعه که در سال ۲۰۲۰ چاپ شده است، هم به‌بناهای تاریخی، آثار و مکان‌های تغییر‌نام‌یافته، فرهنگ‌دگرگون‌شده، تاریخچه قتل‌عام‌ها، تبعیض‌ها و ظلم‌هایی که بر ملت‌اش رفته است می‌پردازد، هم از مردم ستم‌دیده دیگری که در معرض تبعیض نژادی، زبانی و فرهنگی قرار گرفته‌اند، یاد می‌کند. بدین ترتیب در شعر او از آمازیغ‌ها (آزاد مردان)، کردها، عرب‌ها، ایرانی‌ها، ترک‌ها و ارمنیان سخن به‌میان می‌آید و درویش با خیام در نیشابور، حافظ در شیراز، احمد شوقی در مصر و ارستو کاردینال در نیکاراگوئه به‌گفت‌وگو می‌پردازد.



یک‌بار در بهشت بیدار شدیم

نویسنده:

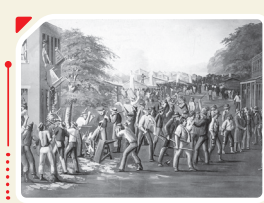
نجوان درویش

ترجمه: حمزه کوتی

نشر: مرکز

تاریخ

فرمان کشتار مورمون‌ها



در ۲۷ اکتبر ۱۸۳۸، لیلبرن باگز، فرماندار میسوری، فرمان اجرایی شماره ۴۴ میسوری معروف به فرمان نابودی مورمون‌ها را در واکنش به نبرد رودخانه کروکود صادر کرد. این درگیری

زمانی آغاز شد که یک واحد شبه‌نظامی ایالتی چندین مسیحی مورمون را به گروگان گرفت و پس از آن مورمون‌ها برای نجات آنها تلاش کردند. مورمون‌ها که گروهی از مسیحیان با عقاید خاص احیاگرانه هستند، از دهه‌هایی پیش از آن تشکیل یافته بودند و در سال ۱۸۳۰ راهی غرب میسوری شدند تا به تبلیغ تعلیم مذهبی خود در میان بومیان آمریکای بپردازند. این دعوت وقتی با استقبال برخی از ساکنان همراه شد، مورمون‌ها را به این نظر سوق داد که در شهر جکسون در ایالت میسوری جمع شوند و در آنجا خود را برای ظهور دوم عیسی مسیح آماده کنند. این امر موجب نگرانی مسئولان ایالت شد؛ به‌خصوص وقتی حمایت‌هایی متقابل میان مورمون‌ها و بردگان سیاه‌پوست نیز گزارش شد. درنهایت با صدور فرمان اجرایی ۴۴ اما مورمون‌ها ناچار از تسلیم و مهاجرت به ایلینوی شدند. این فرمان نیز پس از ۱۳۸ سال، در سال ۱۹۷۶ و با استناد به ماهیت مغایر با قانون اساسی آن، لغو شد.